

گزارشی از واکنش‌های محافل علوم اجتماعی کشور
به اقدام سازمان امور استخدامی کشور

چه کسانی باید علوم اجتماعی تدریس کنند؟

صلاحیت علمی تدریس علوم اجتماعی

مسعود تویسرکانی

اشاره

زیان بار به نظام آموزش و پرورش کشور دانستند. در واکنش به این اقدام، ۲۹ شهریورماه هفت انجمن علمی کشور، شامل انجمن جامعه‌شناسی ایران، انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، انجمن تاریخ ایران، انجمن انسان‌شناسی ایران، انجمن علوم سیاسی ایران، انجمن ایرانی تاریخ اسلام و انجمن مددکاری اجتماعی ایران در نامه‌ای به وزیر آموزش و پرورش، خواستار جلوگیری از این اقدام، بی‌اعتبار علمی این رشته و نزول جایگاه دبیران علوم اجتماعی شدند. گزیده‌ای از این نامه به شرح زیر است:

کلیدواژه‌ها: صلاحیت علمی تدریس، تدریس علوم اجتماعی، دانش تخصصی علوم اجتماعی، انجمن جامعه‌شناسی ایران

دفترچه راهنمای آزمون استخدامی کشوری که چندی پیش از سوی «سازمان سنجش و آموزش کشور» منتشر شده، برای استخدام به‌عنوان دبیر تاریخ و علوم اجتماعی، علاوه بر دانش‌آموختگان کارشناسی و کارشناسی ارشد این رشته‌ها، دانش‌آموختگان برخی رشته‌های دیگر را هم واجد شرایط اعلام کرده است. اتخاذ این تصمیم واکنش‌های زیادی را بین دبیران و معلمان رشته‌های علوم اجتماعی و تاریخ و همچنین انجمن‌های علمی این رشته‌ها و نیز برخی محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی به دنبال داشت. آن‌ها این تصمیم را نشانه بی‌توجهی به دانش تخصصی علوم اجتماعی و تاریخ، جایگاه و منزلت تخصصی معلمان و دبیران این رشته‌ها و نیز موجب بی‌اعتباری علمی و خسارات



همان طور که استحضار دارید، در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها، دانش‌آموختگان رشته‌های علوم اجتماعی و تاریخ با خبری دور از انتظار و نگران‌کننده روبه‌رو شدند. براساس مندرجات دفترچه راهنمای آزمون استخدامی کشوری که توسط سازمان سنجش و آموزش کشور منتشر شده است، برای استخدام به‌عنوان دبیر تاریخ و علوم اجتماعی، علاوه بر دانش‌آموختگان کارشناسی و کارشناسی ارشد این رشته‌ها، دانش‌آموختگان برخی رشته‌های دیگر هم واجد شرایط اعلام شده‌اند. اتخاذ این تصمیم غیرحرفه‌ای که نشانه‌ها بدانند به دانش‌آموختگان مجموعه رشته‌های علوم اجتماعی و تاریخ و بی‌توجهی کامل به دانش و تخصص در تصدی نقش مهم معلمی در آموزش و پرورش است، نتایج بسیار زیان‌باری در آموزش و پرورش و جامعه خواهد داشت که به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود:

مقایسه واحدهای درسی دانشجویان رشته‌های اعلام شده و دانش‌آموختگان سایر رشته‌ها نشان از فقدان نخستین و مهم‌ترین شایستگی علمی برای آموزش این دروس در دانش‌آموختگان دیگر دارد. دانش‌آموختگان رشته‌های علوم اجتماعی و تاریخ بیش از ۱۰۰ واحد تخصصی و پایان‌نامه پژوهشی مرتبط با حوزه تخصصی خود را می‌گذرانند. این در حالی است که چنین درس‌هایی در برنامه آموزشی دیگر وجود ندارد. در نتیجه، گویی این همه سرمایه‌گذاری و صرف وقت در دانشگاه‌ها برای آموزش تخصصی این درس‌ها ضرورتی نداشته است.

این تصمیم غیرکارشناسی موجب می‌شود، اهمیت رشته‌های علوم اجتماعی و تاریخی که برای تربیت شهروند آگاه و مسئول و بهبود نظام حکمرانی بسیار با اهمیت هستند، نزد دانش‌آموزان کم شود، و در عین حال این پیام نادرست به آنان داده می‌شود که در نظام مدیریتی کشور، برای تصدی مسئولیت‌های آموزشی و شاید سایر مسئولیت‌ها، دانش تخصصی اهمیت چندانی ندارد. به‌علاوه، بر رغبت و انگیزه دانشجویان رشته‌های علوم اجتماعی اثر منفی دارد و باعث می‌شود وظایف تحصیلی خود را چندان جدی نگیرند. با این اقدام فرصت‌های شغلی اندک دانش‌آموختگان این رشته‌ها که هم‌اکنون نیز بسیار محدود و بحرانی است، باز هم محدودتر می‌شود.

علاوه بر موارد فوق، قرار گرفتن این دانش‌آموختگان در جایگاهی که دانش تخصصی آن را ندارند، از اعتبار اخلاقی و اجتماعی آن‌ها می‌کاهد و به تعارضات غیراصولی بین نظام حوزوی و دانشگاهی دامن می‌زند که به هیچ‌عنوان به نفع این دو نهاد مهم علمی و آموزشی جامعه ایران نیست. به همین دلیل بسیار بعید است که این دانش‌آموختگان مسئول و متعهد هم خود راضی به پذیرش نقشی باشند که دانش تخصصی آن را ندارند.

بنا به دلایل ذکر شده، انجمن‌های علوم اجتماعی و تاریخی امضاکننده این نامه، مخالفت شدید خود را با این تصمیم نسنجیده و غیرکارشناسی اعلام می‌کنند و از جناب‌عالی به‌عنوان وزیر آموزش و پرورش و همچنین از سازمان اداری و استخدامی کشور انتظار دارند، برای احترام گذاشتن به دانش تخصصی دانشگاهی و جایگاه علوم اجتماعی و تاریخی، جلوگیری از تعارضات غیراصولی بین نظام حوزوی و دانشگاهی، و رفع نگرانی دانش‌آموختگان این رشته‌ها، دستور فرمایید هر چه زودتر نسبت به اصلاح آن اقدام نمایند و نتیجه را به اطلاع این انجمن‌ها و آگاهی عمومی برسانند.

«حفظیات بی مسئولیت» توهم است

در همین زمینه، دکتر محمد فاضلی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و از جامعه‌شناسان و محققان شاخص کشور نیز طی یادداشتی به این موضوع پرداخته و یادآور شده است: «باور کنید فیلسوف، جامعه‌شناس، مورخ، اقتصاددان، روان‌شناس، روان‌کاو، متخصص راهبرد (استراتژیست) سیاسی و بین‌المللی شدن که کار

علوم انسانی و اجتماعی است، آسان نیست و به اندازه بقیه علوم تخصص، کوشش، تجربه، استعداد و هوش می‌خواهد؛ درست همان گونه که به جایگاه متخصص فقه، اصول، الهیات و اندیشمند دینی بزرگ رسیدن، به هوش، سخت‌کوشی، خلاقیت و حتی وارستگی نیاز دارد. علوم انسانی و اجتماعی حفظیات بی مسئولیت نیستند.»

متن کامل این یادداشت به شرح زیر است:

رؤسای هفت انجمن علمی علوم اجتماعی نامه‌ای به وزیر آموزش و پرورش نوشته‌اند و به مجاز شدن استخدام دانش‌آموختگان رشته‌های دیگر برای دبیری تاریخ و علوم اجتماعی اعتراض کرده‌اند. «چرا کسانی فکر می‌کنند قرارداد دانش‌آموختگان رشته‌های غیرمرتبط در جایگاه تدریس تاریخ و علوم اجتماعی درست است؟» یک پاسخ کاملاً روشن، صریح و مؤثر این است: «رابطه قدرت، کسانی به پشتوانه قدرت به علم و تخصص توجه نمی‌کنند. اما ریشه دیگری هم دارد و فقط رابطه قدرت نیست.

قدرت از ترس آبرویش، مدعی نشاندن آدم‌های غیرمتخصص به جای پرستار، پزشک، مهندس، برنامه‌نویس و ... نمی‌شود. قدرت می‌داند که افکار عمومی را نمی‌شود برای نشاندن غیرمتخصصان در جای پزشک و مهندس توجیه کرد، اما فکر می‌کند متخصص رشته‌های دیگر می‌تواند تاریخ و علوم اجتماعی هم تدریس کند، و به این ترتیب علوم اجتماعی و تاریخ را کم‌اعتبار می‌کند. چرا؟

۱. یک کلمه را حداقل از دوره دبیرستان در ذهن دانش‌آموزان می‌کنند: «حفظیات». به هر دانش‌آموزی که درس نمی‌خواند، حال و حوصله ریاضی و فیزیک نداشت، صرف نظر از اینکه چه قابلیت‌هایی داشت، می‌گفتند برود حفظیات بخواند. ادبیات، تاریخ، جغرافیا، دینی، فلسفه، اقتصاد و علوم انسانی و اجتماعی را یکجا با این کلمه مزخرف «حفظیات» جمع می‌بستند و یک کاسه داخل گونی‌ای می‌ریختند که می‌شد روی دوش هر غیرمتخصصی گذاشت.

مورخ، جامعه‌شناس، فیلسوف، اقتصاددان (یک کم کمتر چون با ریاضیات هم سروکار دارد)، عالم علوم سیاسی، مردم‌شناس، ادیب، جغرافی‌دان و ... همه انگار حافظه‌اند. ذخایر حفظیات که از سر ناتوانی در علوم دیگر، چون نمی‌توانسته‌اند ریاضی یاد بگیرند، زیست‌شناسی، آناتومی و فیزیولوژی بفهمند، سر از حفظیات درآورده‌اند.

از پیرمرد روستایی پرسیده بودند: فلانی - یکی از بستگانش - چه رشته‌ای می‌خواند؟ با بی‌میلی گفته بود: «تمی‌دونوم، میگن عنقول و منقول می‌خونه.» الهیات را در دانشگاه تهران «معقول و منقول» می‌نامیدند. معقول «فلسفه و حکمت» و منقول «فقه» را شامل می‌شد. برخی تصورشان درباره علوم انسانی و اجتماعی همین قدر ساده‌انگارانه است.

۲. مهندس ساختمان اگر اشتباه کند، مسئولیت دارد؛ یک نفر می‌میرد یا چهار نفر زیر آوار می‌مانند. اما برخی در این فکرند که علوم انسانی و اجتماعی هیچ مسئولیتی ندارد: تاریخ را هر جور دلت خواست درس بده، هر چه دل تنگت می‌خواهد به اسم علوم اجتماعی بگو. فلسفه هم که متر و معیار ندارد، چه اهمیتی دارد و چه مسئولیتی؟

واژه «حفظیات» گمراه‌کننده است. جامعه‌شناسان، مورخان، روان‌شناسان و بقیه علوم اجتماعی و انسانی که حتماً در گام‌های بعدی سراغشان می‌روند، چیزی حفظ نمی‌کنند. اگر هم ادیبان یا بقیه اصحاب علوم انسانی و اجتماعی چیزی حفظ کنند، به جهت «حفظیات» بودن این علوم و دانش‌ها نیست. اشتباه به عرض رسانده‌اند. این‌ها هم مثل بقیه علوم عرصه خلاقیت، تحلیل، مفهوم‌سازی، مدل‌سازی، پژوهش بی‌طرفانه، اخلاق علمی، تحلیل پیچیدگی و کار تجربی روشمند مبتنی بر آزمایش، مشاهده، تاریخ‌پژوهی و گردآوری دقیق داده و تولید اطلاعات هستند.

علوم انسانی و اجتماعی هم مسئولیت دارند؛ مسئولیت تمدنی دارند. هویت، تاریخ، عقل معاش و تدبیر سیاسی، توسعه، نظام‌سازی برای اداره حکومت، کرامت انسانی، اخلاق، آسیب‌های جامعه انسانی، معنا‌سازی، و تدوین سازوکارهای اداره جوامع با این علوم است. تهی کردن این علوم، تهی کردن جامعه و عاقبت توسعه‌نیافتگی است.

شما شاید نمی‌شناسید، ولی ما دیده‌ایم که مغزهای علوم انسانی و اجتماعی جهان و ایران، به اندازه بزرگان ریاضیات، پزشکی و مهندسی زحمت کشیده‌اند و خلاقیت داشته‌اند. حتی برخی جهان را تکان داده‌اند. چیزی هم حفظ نمی‌کرده‌اند. باور کنید فیلسوف، جامعه‌شناس، مورخ، اقتصاددان، روان‌شناس، روان‌کاو، متخصص راهبرد (استراتژیست) سیاسی و بین‌المللی شدن که کار علوم انسانی و اجتماعی است، آسان نیست. به اندازه بقیه علوم تخصص، کوشش، تجربه، استعداد و هوش می‌خواهد؛ درست همان گونه که به جایگاه متخصص فقه، اصول، الهیات و اندیشمند دینی بزرگ رسیدن، به هوش، سخت‌کوشی، خلاقیت و حتی وارستگی نیاز دارد. علوم انسانی و اجتماعی «حفظیات بی مسئولیت» نیستند.